علی مطهری: قطعنامه اخیر پارلمان اروپا نقاط مثبتی دارد.



اسلام به ما اجازه داده که در امور داخلي ديگران دخالت کنيم
علی مطهری می‌گوید: قطعنامه اخیر پارلمان اروپا نقاط مثبتی دارد’ برخی انتقادهای غرب به وضعیت حقوق بشر در ایران وارد است و اسلام اجازه دخالت در امور داخلی کشورها را به ما داده است.
نماينده تهران در مجلس گفت: حقوق بشر از نظر اسلام مبتني بر برخي اصول و مباني فکري اجتماعي مانند آزادي و انسانيت است. البته نگاه اسلام به مقولاتي مانند آزادي و انسان‌شناسي با نگاه غرب متفاوت است. در مسئله آزادي ما معتقديم مرز آزادي فرد علاوه بر آزادي ديگران،

مصلحت خود فرد و مصلحت جامعه نيز هست يعني اين دو عامل هم آزادي فرد را محدود مي کند. در حالي که از نظر غربي‌ها مرز آزادي فرد فقط مخدوش شدن آزادي ديگران است.

علي مطهري در مورد انتقاد پارلمان اروپا به وضعيت حقوق بشر در ايران و اين که اصولا علل اختلاف ما با آنها در بحث حقوق بشر چيست، به مهر گفت: ما در بخشي از حقوق بشر با غربي‌ها اختلاف مبنايي داريم. يعني در مباني و اصول فکري اختلاف داريم. غربي‌ها فقط ميل انسان را مبناي قضاوت در حقوق بشر مي‌دانند و معتقدند که هرچه بشر به آن تمايل داشته باشد بايد بتواند انجام دهد تا زماني که مزاحم آزادي ديگران نباشد. يعني آنها استعدادهاي انساني و استعدادهاي حيواني در وجود انسان را از هم تفکيک نمي‌کنند و صرف تمايل انسان را ملاک قرار مي‌دهند، در حالي که ما معتقديم قواي حيواني انسان بايد تحت مديريت قواي انساني انسان باشد و به عبارت ديگر شهوت و غضب انسان بايد تحت حکومت عقل و اراده انسان باشد و اصولا انسانيت انسان به استعدادهاي انساني او و به عقل و اراده اوست، استعدادهاي حيواني ميان انسان و حيوان مشترک است و فضيلتي براي انسان نيست. به طور خلاصه اسلام در بحث حقوق بشر مباني و اصول منطبق بر فطرت انسان دارد. جالب اينجاست که اخلاق ارسطويي و افلاطوني که بر وظيفه و فضيلت انساني استوار است، ريشه غربي دارد ولي خود غربي‌ها – البته دولت‌هاي آنها – به اين اخلاق ملتزم نيستند و در واقع به گذشته خود هم پشت کرده‌اند.

وي ادامه داد: در واقع ما و اروپايي‌ها در بخشي از موضوع حقوق بشر حسن تفاهم نداريم و حرف يكديگر را نمي‌فهميم. مثلا فلسفه قصاص يا حدودي كه در اسلام وجود دارد براي آنها قابل فهم نيست. ما معتقديم آن كسي كه عمداً و با برنامه انساني را كشته و اساساً اين امر براي او تبديل به يک عادت شده، او ديگر از انسانيت خارج شده و ديگر انسان نيست و بايد جامعه از وجود او پلک شود، همان طور كه بدن انسان بايد از وجود ميكروب پلک شود. در واقع وقتي ما او را اعدام مي‌كنيم يک انسان را اعدام نكرده‌ايم بلكه يک غير انسان را اعدام كرده‌ايم. همين طور درباره حكم زناي محصنه و از اين قبيل.

وي با بيان اينكه بالاخره هركدام از اينها يک فلسفه‌اي دارد گفت: ولي در انسان‌شناسي و حقوق بشر غربي اين چيزها ديده نشده است. لذا ما با آنها اختلاف مبنايي داريم و در نتيجه در يک جاهايي آنها حرف ما را نمي‌فهمند و ما حرف آنها را نمي‌فهميم، ولي گاهي در موارد مشترک، آنها انتقادهايي به عدم رعايت حقوق بشر مي‌كنند كه ممكن است اين انتقادات وارد باشد. اما بحث اين است كه فقط آنها نيستند كه حق ورود به مسائل ما را داشته باشند، ما هم حق داريم در مسائل آنها دخالت كنيم و وضعيت حقوق بشر آنها را ارزيابي كنيم. اين كه بعضي افراد براي پاسخ دادن به اين انتقادات غربي‌ها به اين مسئله تمسک مي‌كنند كه اينها دخالت در امور داخلي كشورها و محكوم است استدلال قوي‌اي نيست، براي اين كه ما معتقديم كه اسلام به ما اجازه داده و گاهي ما را مكلف كرده كه در امور داخلي ديگران دخالت كنيم.

عضو فراكسيون رهروان ولايت با اشاره به اين مطلب كه اساساً امر به معروف و نهي از منكر خودش يک نوع دخالت در امور ديگران است، گفت خود پيامبر اسلام در امور كشورها دخالت مي‌كرد. اگر ايشان در امور ايران باستان و روم قديم دخالت نكرده بود الان ما مسلمان نبوديم. ما در يک جاهايي مجازيم كه در امور ديگران دخالت كنيم و در يک جاهايي وظيفه داريم دخالت كنيم. بنابراين اين استدلال، استدلال قوي‌اي نيست كه كسي حق دخالت در امور داخلي ديگران را ندارد. ممكن است در عرف ديپلماتيک و در روابط سياسي كشورها اين يک اصل پذيرفته شده باشد، ولي از نظر اسلام پذيرفته نيست. مكتب به ما مي‌گويد شما مكلف هستيد كه اسلام را در سراسر جهان گسترش دهيد و حتي اگر حكومتي مانع گسترش اسلام و توحيد است و اجازه انتخاب آزاد به مردم خود نمي‌دهد آن را سرنگون كنيد.

وي اضافه كرد: به هرحال همان طور كه آنها حق دخالت در امور ما را دارند ما هم حق دخالت در امور آنها را داريم. منتها ما كوتاهي مي‌كنيم، به جاي اينكه تهاجمي برخورد كنيم و اشكالات آنها را بيان كنيم آنها دائما از ما اشكال مي‌گيرند. براي مثال ما بايد به آنها انتقاد كنيم كه چرا خانواده در دنياي غرب اساس و پايه‌اي ندارد و در حال انقراض است. يا چرا برخي زنان و مردان غربي مثل حيوانات، عريان و نيمه عريان در مجامع عمومي ظاهر مي‌شوند؟ چرا در برخي كشورهاي غربي پوشش اسلامي اجازه داده نمي‌شود؟ چرا نژادپرستي در كشورهاي غربي اين همه قرباني مي‌گيرد و بر مهاجران جنايت روا مي‌دارند؟ چرا غرب به سوي حيوانيت در حال حركت است و امور خلاف طبع بشر مانند همجنس‌گرايي را ترويج مي‌كند؟ آيا كم‌كم به سوي ازدواج با حيوانات نخواهند رفت؟ و ده‌ها مورد ديگر. همين طور كشتارها و غارت‌هايي كه در بين ملتهاي ديگر مي‌كنند و در حال حاضر آفريقاي مركزي شاهد عيني اين واقعيت است. چون ما وارد نمي‌شويم آنها مي‌آيند ابتكار عمل را به دست مي‌گيرند و بعد ما انفعالي برخورد مي‌كنيم.

مطهري درباره قطعنامه اخير پارلمان اتحاديه اروپا گفت: اين قطعنامه در مجموع منفي است ولي نقاط مثبت هم دارد. براي مثال براي اولين بار مسئله تهاجم نظامي را از مصوبه خودشان حذف كردند. مسئله مهم اين است كه اين قطعنامه آنها كاري است كه هرسال انجام مي‌دهند و ضمانت اجرايي هم ندارد و ما نبايد حساسيت بيش از حد نشان دهيم، خصوصا اگر با دولت آقاي روحاني مشكل داريم آن را براي تضعيف اين دولت و مذاكرات هسته‌اي علم نكنيم.

راه حل همان است كه ما به مسئله حقوق بشر آنها ورود كنيم و قبل از آن كه آنها به ما انتقاد كنند ما به آنها انتقاد كنيم و پاسخ بخواهيم. مثلا سازمان كنفرانس اسلامي بايد درخواست كند كه در كشورهاي اروپايي دفتري داشته باشد كه وضع حقوق بشر آنجا را رصد كند، همان طور كه آنها درخواست تأسيس دفتر در كشورهاي ما را دارند. از آن طرف، ما هم نبايد بهانه به دست آنها بدهيم. برخي سخت‌گيريها كه با مخالفان و منتقدان مي‌شود، ضمن اين كه با موازين اسلام و با درايت و تدبير سازگار نيست و هيچ سودي هم به حال ما ندارد، بهانه به دست آنها مي‌دهد كه عليه ما اقدام كنند.